



The Criminal Offense of Failure to Provide Maintenance in the Legal System of Afghanistan with a Comparative View of Iranian Law

Belqis Sultanzai*

Abstract

The criminal offense of failure to provide maintenance (nafaqa) to a spouse or relatives constitutes one of the central issues in family criminal law, and the conditions for its commission vary in the legal systems of Afghanistan and Iran depending on the conduct of the offender. Accordingly, this study examines and analyzes the offense of failure to provide maintenance in the Afghan legal system with a comparative perspective on Iranian law, aiming to precisely clarify the foundations of criminalization, the constitutive elements of the offense, and the scope of the offender's criminal liability regarding the maintenance of a spouse and relatives. The research method employed is descriptive-analytical.

According to the findings of this study, the Afghan legislative system conditions the realization of the offense of failure to provide maintenance upon the fulfillment of certain preliminary requirements, including the establishment of a legal obligation to pay maintenance through a decision issued by a competent authority, and the verification of the offender's intentional refusal after the means for fulfilling the obligation have been made available. In contrast, the Iranian legislative system defines the criterion for the realization of this offense as the mere refusal to perform the legal duty of paying maintenance, provided that the financial ability of the obligated person is established, without requiring any prior procedural formalities. This approach reflects an expansion of the scope of criminal protection afforded to the family institution.

* Master's student, Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, Ahlul Bayt International University (AS), Tehran, Iran.
Email: belqissultanzai0@gmail.com.

An analysis of the legislative provisions indicates that the absence of a clearly defined timeframe for fulfilling the maintenance obligation in Iranian law has created ambiguity in establishing the elements of the offense, particularly in cases involving short-term delays in payment or partial payment of maintenance. This ambiguity may lead to divergent interpretations within judicial practice.

The results of this study demonstrate that a precise articulation of the elements of this offense and the development of clear criteria for determining the extent of the obligation and the manner of its fulfillment can reduce interpretive inconsistencies and promote coherence in judicial practice within both legal systems. This research seeks to provide a coherent and scholarly framework that facilitates a deeper understanding and more effective application of the legal provisions governing the offense of failure to provide maintenance.

Keywords: Maintenance, Spousal Maintenance, Relatives' Maintenance, Failure to Provide Maintenance.





جرم ترک انفاق در نظام حقوقی افغانستان با نگاهی بر حقوق ایران

بلقیس سلطانزی*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۷/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۹/۱۲

چکیده

جرم ترک انفاق زوجه و اقربا یکی از موضوعات محوری در حقوق کیفری خانواده بوده و شرایط ارتکاب این جرم با توجه به رفتار مرتکب در نظام‌های حقوقی افغانستان و ایران متفاوت می‌باشد. بنابراین، بررسی و تحلیل جرم ترک انفاق در نظام حقوقی افغانستان با نگاهی بر حقوق ایران، باهدف تبیین دقیق مبانی جرم‌انگاری، ارکان تشکیل دهنده جرم و همچنین، میزان مسئولیت کیفری منفق در خصوص نفقه زوجه و اقارب است و روش تحقیق نیز در موضوعات یا دشته توصیفی - تحلیلی است. براساس یافته‌های این پژوهش، نظام تقنینی افغانستان تحقق جرم ترک انفاق را منوط به تحقق شرایط مقدماتی، ازجمله تثبیت الزام قانونی به پرداخت نفقه با حکم مرجع ذیصلاح و احراز امتناع عمدی منفق پس از فراهم شدن اجرای تعهد است. در مقابل نظام تقنینی ایران معیاری را که برای تحقق جرم ترک انفاق مقرر نموده، امتناع از ایفای تکلیف قانونی پرداخت نفقه آن هم در صورت احراز استطاعت مالی منفق است که ضرورت بر طی تشریفات قبلی خاصی نمی‌باشد؛ رویکردی که دلالت بر توسعه قلمرو حمایت کیفری از نهاد خانواده دارد. تحلیل و بررسی قوانین تقنینی بیان‌کننده فقدان تعیین بازه‌ای زمانی مشخص برای اجرای تعهد نفقه در نظام حقوقی ایران خود موجب ایجاد ابهام در احراز ارکان این جرم در مواردی همچون تأخیر کوتاه‌مدت در پرداخت نفقه و یا پرداخت نفقه ناقص شده که این امر

*. محصل کارشناسی ارشد، رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه

بین‌المللی اهل بیت (ع)، تهران، ایران.

ایمیل: belqissultanzai0@gmail.com.

می‌تواند موجب برداشت‌های متفاوت در رویه قضایی شود. نتایج حاصل از این پژوهش بر تبیین دقیق ارکان این جرم و ارائه معیارهای روشن برای تشخیص میزان تکلیف و نحوه ایفای آن، می‌تواند بر کاهش تعارضات تفسیری و انسجام در رویه قضایی هر دو نظام تقنینی بینجامد. این پژوهش می‌کوشد تا با ارائه چهارچوب علمی و منسجم، زمینه‌ساز فهم عمیق و اعمال کارآمدتر مقررات ناظر بر جرم ترک انفاق را ایجاد نماید.

واژگان کلیدی: نفقه، نفقه زوجه، نفقه اقارب، جرم ترک انفاق.



استحکام نظام خانواده با حقوق و وظایف متقابل طرفین عقد نکاح ارتباط مستقیم دارد. نظام حقوقی افغانستان و ایران که متأثر از آموزه‌های اسلامی است، این حقوق را مورد توجه خاص قرار داده است و یکی از اموری که ضرورت توجه به آن انکارشدنی نیست، موضوع هزینه و تأمین مایحتاج نیازمندی‌های متعارف زوجه و اقربای نسبی است که در هر دو نظام حقوقی به آن «نفقه» تعبیر می‌شود که متأسفانه نظام‌های حقوقی افغانستان و ایران به طور مشخص به تعریف آن پرداخته و صرفاً به تبیین مصادیق آن پرداخته است.

جرم ترک انفاق زوجه و اقربا یکی از موضوعات مهم در حقوق کیفری خانواده بوده و شرایط ارتکاب این جرم با توجه به رفتار مرتکب در نظام‌های حقوقی افغانستان و ایران متفاوت می‌باشد. ضرورت این تحقیق مبتنی بر وجود خلأ تقنینی در عدم جرم‌انگاری صرف ترک انفاق در نظام حقوقی افغانستان و لزوم صدور حکم قطعی قبلی و سپری شدن یک‌ماه از آن، این خود موجب سوءاستفاده منفق در عدم پرداخت نفقه منفق‌علیه را ایجاد می‌کند. متقابلاً نظام حقوقی ایران صرف ترک انفاق را مشمول ضمانت اجرا دانسته است. همچنین، ابهام در شرایط تحقق این جرم، مستلزم شفاف‌سازی و ارائه یک الگوی واحد را دارد که این تفاوت‌های مهم و اساسی ضرورت مطالعه تطبیقی را در هر دو نظام حقوقی ایجاب می‌کند.

بدین ترتیب، با توجه به اهمیت این موضوع در روشن‌سازی ماهیت جرم یادشده به‌عنوان جرم ساده و مستمر مبتنی بر شکایت شاکی خصوصی، مهم‌ترین هدف این تحقیق، بررسی تطبیقی شرایط ارکان تشکیل‌دهنده، شرایط و تحلیل ضمانت‌اجراهای جرم ترک انفاق در هر دو نظام حقوقی به‌دلیل شناسایی نقاط قوت و ضعف و حمایت مؤثر برای تحکیم نظام خانواده می‌باشد. درخصوص پیشینه پژوهش در جرم ترک انفاق از باب مسئولیت مدنی مقالات بیشتری تدوین شده، ولی نسبت به مسئولیت کیفری ترک انفاق مقالات کمتری تدوین شده است که در ادامه به چند نمونه آن اشاره می‌شود.

کریمی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «جرم‌انگاری ترک انفاق در فقه و حقوق موضوعه ایران با نگاهی بر فقه اهل سنت» به تبیین تعریف لغوی و اصطلاحی نفقه، نفقه در حقوق مدنی، نفقه در حقوق کیفری، حکم ترک انفاق در فقه به‌صورت کلی در نظام حقوقی ایران پرداخته است. موسوی‌بجنوردی و حسینی (۱۳۸۸) در مقاله «نفقه زوجه در فقه و حقوق با رویکردی بر نظریات امام خمینی (س)» با تمرکز بر فقه اسلامی به فلسفه وجوب نفقه، ادله پرداخت نفقه در



آیات از قرآن کریم، سنت و اجماع، شرایط وجوب نفقه، اسباب و دیدگاه فقهای امامیه در خصوص نفقه پرداخته‌اند. نگارندگان در این مقاله به تفصیل به بررسی جرم ترک انفاق زوجه و اقربا در نظام حقوقی افغانستان با نگاهی بر حقوق ایران، تحلیل و بررسی شرایط ارتکاب این جرم، بررسی مصادیق و ویژگی‌های جرم ترک انفاق زوجه و اقارب و بررسی ضمانت اجرای کیفری آن در نظام حقوقی افغانستان با نگاهی بر حقوق ایران پرداخته‌اند.

جرم ترک انفاق زوجه و اقارب در نظام حقوقی افغانستان دارای چه شرایط بوده، و چه تفاوتی با نظام حقوقی ایران دارد؟ روش پژوهش در این مقاله همانند اغلب مقالات علوم انسانی، روش تحلیلی - توصیفی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای است. همچنین، از آنجایی که موضوع این مقاله جرم ترک انفاق زوجه و اقارب در نظام حقوقی افغانستان با نگاهی بر نظام حقوقی ایران می‌باشد، قوانین مربوط به جرم ترک انفاق در هر دو نظام قانونی موجود افغانستان و ایران بررسی و وجوه اشتراک و افتراق آن دو بیان شده است.

الف) مبانی و جایگاه نفقه در حقوق افغانستان با نگاهی بر نظام حقوقی ایران

در نظام حقوقی اسلام وظیفه تأمین مخارج خانواده برعهده شوهر بوده و او مکلف است نفقه زوجه و در صورت وجود شرایط، نفقه اقربای خود را پرداخت نماید. زوجه هر چند دارایی داشته باشد و دارای شغل و صاحب حقوق و درآمد باشد، می‌تواند آن را برای خود ذخیره کند و به هیچ صورت از آن برای مخارج خانواده حتی مخارج خود استفاده نکند. استاد مطهری نیز انگیزه الزام مرد به پرداخت نفقه را از نوع انگیزه انسانی و عدالت و دوستی به شمار می‌آورد؛ انگیزه‌ای که زن را از بندگی و بردگی مرد در خانه و مزارع و غیره رها نموده و با این عمل اجازه نداده جبر و فشار زندگی، غرور و جمالی را که باید همیشه با اطمینان خاطر همراه زن باشد، از او بگیرد (مصدق صدقی، ۱۳۸۴، ص ۱۱۷). در ادامه، به تبیین نفقه، ارکان و شرایط آن در نظام حقوقی افغانستان با نگاهی بر حقوق ایران پرداخته شده است.

۱. مفهوم نفقه در لغت و اصطلاح فقه و حقوق موضوعه

«نفقه»^۱ اسم مصدر از انفاق بوده و در لغت به معنای آنچه که خرج و مصرف می‌شود، آمده است و در اصطلاح به آن چیزی که نسبت به زوجه بر زوج واجب است تا آن را مهیا کند،



اطلاق می‌شود؛ مثل طعام، محل سکونت، پوشاک و...؛ البته در حقوق خانواده نفقه، ویژه زوجه نبوده، بلکه اقارب نیز مشمول این نهاد حقوقی حمایتی هستند (مرتاضی، و حاجی حسینی، ۱۳۹۵، ص ۹). نفقه به معنای «آنچه صرف هزینه عیال و اولاد کنند، هزینه زندگی زن و فرزندان، روزی و مایحتاج معاش» تبیین شده است (لغت‌نامه دهخدا).

همچنین، در تعریف دیگر آمده است: «نفقه آن چیزی است که برای خودت و عیالت هزینه می‌کنی» (پورعبدالله، ۱۳۹۰، ص ۱۵۰). البته در فقه اسلامی نیز تعاریفی از نفقه همراه با مصادیق آن به صورت متفاوت بیان شده است. در جواهرالکلام بیان شده است: «مایحتاج زن مانند غذا، البسه، مسکن، خادم، و وسایل آشپزی که به طور متعارف با وضعیت زن در آن شهر متناسب باشد» (همان، ص ۱۵۱). به نقل از خانم پورعبدالله از تحریرالاحکام در تعریفی کوتاه بدون ذکر مصادیق آن از نفقه چنین می‌نویسد: آنچه زن بدان نیازمند است و در شأن چنین زنی در آن شهر است. برخی دیگر فقها نیز نفقه را برآورده کردن نیازمندی‌های زن و رساندن به قدر کفایت او می‌دانند (همان، ص ۱۵۱۹).

قانون مدنی افغانستان در ماده ۱۱۸ صرفاً به ذکر مصادیق نفقه زوجه پرداخته و تبیینی در مورد تعریف کلی نفقه نکرده است. در قانون مدنی ایران در ماده ۱۱۰۷^۲ در قانون فوق هم از نفقه تعریفی مشخص بیان نشده و صرفاً اشاره به مصادیق آن کرده است. به نقل پورعبدالله از دکتر کاتوزیان در مورد تعریف نفقه چنین می‌نویسد: «نفقه تمام وسایلی است که زن، با توجه به درجه تمدن و محیط زندگی و وضع جسمی و روحی خود بدان نیازمند است». در تعریف دکتر کاتوزیان که از نفقه صورت گرفته، اگر عبارت «نیاز متعارف» اضافه شود، این تعریف دقیق‌تر خواهد بود؛ زیرا مثلاً وقتی زن به علت جسمی نیازمند هزینه غیرمتعارفی باشد، همان‌طور که برخی از فقها ادعا کرده‌اند، دیگر نمی‌توان آن را جزء نفقه محسوب نمود (به نقل از پورعبدالله، خمینی، ۱۴۰۳، ص ۲۸۳). بنابراین، نفقه عبارت از نیازهای متعارف زوجه و اقارب، با توجه به شرایط را گویند.

^۱ ماده ۱۱۸ قانون مدنی افغانستان: «نفقه زوجه مشتمل است بر طعام، لباس، مسکن، و تدایوی متناسب با توان زوج».

^۲ ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی ایران: «نفقه عبارت است از همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن مانند مسکن، البسه، غذا، اثاث منزل و هزینه‌های درمانی و بهداشتی و خادم در صورت عادت یا احتیاج به واسطه نقصان یا مرض».

۲. انواع نفقه

نفقه معانی مطلقى دارد که شامل انفاق بر زوجه، فرزندان و اقارب می‌شود. در فقه اسلامى و حقوق موضوعه افغانستان و ایران براساس ماهیت و احکام متفاوت آن، نفقه به دو دسته تقسیم شده است.

۱-۲. نفقه زوجه^۱

نفقه زوجه یکی از حقوق مالی در شرعیت اسلامى و حقوق خانواده محسوب شده که به واسطه آن شوهر ملزم به تأمین هزینه‌های متعارف زندگى همسر خود مطابق قانون می‌باشد. این بحث در منابع فقهی براساس آیه ۲۳۳ سوره بقره، روایات و در قوانین مدنى هر دو نظام به‌عنوان یک الزام قانونی مورد پذیرش قرار گرفته است. نفقه زوجه از یک‌سو، «حکم تکلیفی» برعهده شوهر و ازسوی دیگر، «حق مالی» برای همسر محسوب می‌شود. نفقه از حقوق غیرقابل اسقاط زوجه خواهد بود و نمی‌توان قبل از عقد نکاح شرط عدم پرداخت نفقه نمود؛ البته گفتنی است درخصوص اینکه پس از عقد این حق نسبت به نفقه‌ای آینده قابل اسقاط است یا خیر، اختلاف است.

صاحب جواهر دو قول را نقل می‌کند و نظر اکثر را عدم جواز می‌داند (نجفی، ۱۳۵۷، ص ۳۳۴). شرایطی که نفقه قابل اسقاط از زوجه می‌شود: ۱. نشوز: یعنی هرگاه زن بدون مانع شرعی امتناع از انجام وظایف زوجیت نماید، نفقه ساقط می‌شود که ماده ۱۱۰۸ قانون مدنى ایران در این مورد تصریح نموده که البته احراز این امر مربوط به مراجع قضایی می‌باشد؛ ۲. اعسار: مطابق آیه «لا یكلف الله نفسا الا وسعها» در صورت معسر بودن مرد نفقه از عهده زوج ساقط شده و برعهده اقربا قرار می‌گیرد (سیدهاشمی و مرتضوی، ۱۳۹۳، ص ۲۰۳).

همچنین، ماده ۲۱۱۷ قانون مدنى افغانستان نفقه را به‌صورت مشخص و صریح تعریف نکرده، و صرفاً به بیان مصادیق آن پرداخته است و نفقه را بر مبنای عقد صحیح و نافذ بر زوج لازم دانسته است. در ماده ۳۱۱۸ قانون مدنى افغانستان مصادیق نفقه زوجه را از باب تمثیل

^۱ Spouse's alimony

^۲ ماده ۱۱۷ قانون مدنى افغانستان: «با عقد نکاح صحیح و نافذه نفقه بر زوج لازم می‌گردد، گرچه زوجه در مسکن اقاربش رهایش داشته باشد. اگر زوجه از رفتن به مسکن زوج بدون حق امتناع ورزد، نفقه وی بر زوج لازم نمی‌گردد».

^۳ ماده ۱۱۸ قانون مدنى افغانستان: «نفقه زوجه مشتمل است بر طعام، لباس، مسکن، و تدایى متناسب با توان مالی زوج».





تبیین نموده است که در قسمت آخر این ماده عبارت «متناسب با وضعیت مالی زوج» را در پرداخت نفقه زوجه شرط دانسته است. در ماده ۱۲۰^۱ قانون مدنی افغانستان بر این تأکید کرده که با صرف عقد نکاح صحیح و نافذ پرداخت نفقه بر زوج تعلق می‌گیرد و بائر (نازا بودن) زن در عدم پرداخت نفقه تأثیر ندارد؛ زیرا مبنای ازدواج عقد صحیح و نافذ است نه فرزندآوری زن. در ماده ۱۲۳^۲ قانون مدنی افغانستان پرداخت نفقه زوجه را توسط زوج لازم دانسته آن هم به مقداری که کفاف زندگی روزمرگی زوجه باشد. ماده ۱۲۴^۳ قانون مدنی افغانستان تغییر مقدار نفقه را تابع دو شرط دانسته است: مقنن: اول، تحول در توان مالی زوج و دوم، تغییر یافتن قیمت اشیاء با گذشت مدت شش ماه از تاریخ معین شده می‌باشد. در ماده ۱۱۹^۴ قانون مدنی افغانستان در صورت عدم پرداخت نفقه زوجه، محکمه زوج را ملزم به پرداخت آن می‌کند.

ماده ۱۱۰۷^۵ قانون مدنی ایران نفقه را تعریف نکرده و به‌ویژه به بیان مصادیق آن اشاره نموده است. ماده ۱۱۱۳ و ۱۱۰۶ قانون مدنی ایران تبیین نموده که نفقه در عقد دائم برعهده شوهر بوده و در عقد منقطع در صورت شرط ضمن عقد نفقه بر زوجه تعلق می‌گیرد. ماده ۱۱۰۸^۶ قانون مدنی ایران در مورد امتناع از وظایف زوجیت تبیین کرده است. به‌طورمثال، زوجه بناء به داشتن بیماری خاص واگیر نمی‌تواند با همسر خود یکجا زندگی کند، شوهر به بهانه عدم

^۱ ماده ۱۲۰ قانون مدنی افغانستان: «نفقه زوجه بائر حبس زوج گرچه توان ادای آن را نداشته باشد، از ذمه وی ساقط نمی‌گردد».

^۲ ماده ۱۲۳ قانون مدنی افغانستان: «نفقه زوجه مطابق به توان مالی زوج تأمین می‌گردد، مشروط براین‌که نفقه از حدکفاف زوجه کمتر نباشد».

^۳ ماده ۱۲۴ قانون مدنی افغانستان: «زیادت و تنقیص نفقه تابع تحول توان مالی زوج و تغییر یافتن قیمت اشیاء در محل می‌باشد. ادعای زیادت یا تنقیص نفقه معینه قبل از سپری شدن شش ماه از تاریخ تعین آن پذیرفته نمی‌شود».

^۴ ماده ۱۱۹ قانون مدنی افغانستان: «هرگاه زوج از ادای نفقه امتناع ورزد یا تقصیر وی در آن ثابت گردد، محکمه با صلاحیت زوج را با ادای نفقه مکلف می‌گرداند».

^۵ ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی ایران: «نفقه عبارت از همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن از قبیل مسکن، البسه، غذا، اثاث منزل و هزینه‌های درمانی بهداشتی و خادم در صورت عادت یا احتیاج به واسطه نقصان یا مرض».

^۶ ماده ۱۱۱۳ قانون مدنی ایران: «هرگاه زن بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند مستحق نفقه نخواهد شد».

تمکین زوجه نمی‌تواند از پرداخت نفقه امتناع ورزد؛ زیرا مانع شرعی وجود دارد. در ماده ۱۱۱۰ قانون یادشده نفقه زن در هنگام عده وفات از اموال شوهر باید پرداخت شود.

ماده ۱۱۱۱^۱ قانون مدنی ایران استکفاف شوهر از ادای نفقه را تبیین نموده است. ماده ۱۱۲۹^۲ قانون مدنی ایران می‌نویسد: در صورت استکفاف شوهر از پرداخت نفقه، زوجه می‌تواند به حاکم رجوع کند. در یک مفهوم کلی نفقه زوجه انفاقی است که شوهر با توجه به شرایط ملزم به پرداخت آن به همسر خود می‌باشد. پورعبدالله در نقل از مشهور فقهای شیعه نفقه را همانند عوض یا شبه عوض در برابر تمکین قرار داده و آن را مشروط به تمکین نموده‌اند و وجوب نفقه را مشروط به عقد دائم و تمکین کامل زوجه دانسته است. صاحب ریاض نفقه را همانند عوض معاملات در مقابل تمکین دانسته است (پورعبدالله، ۱۳۹۰، ص ۱۵۳).

در مورد اینکه نفقه زوجه از مقوله «حق» است یا «حکم» اشاره صریحی در بیان فقها دیده نمی‌شود؛ اما در بحث نفقه، ویژگی‌ها و آثار حق را بر نفقه بار نموده‌اند و آن را قابل «اسقاط» و «انتقال» به ورثه دانسته‌اند؛ گرچه برخی در مورد اسقاط نفقه آینده اظهار تردید کرده‌اند، اما جواز آن را اظهار دانسته‌اند. همچنین، امکان «ضمانت» از پرداخت نفقه آینده زوجه و امکان «مصلحه» بر آن نیز حکایت از حق بودن نفقه دارد (کلباسی، ۱۴۰۲، ص ۱۶). افزون بر عرف جامعه، وضعیت و شأن و منزلت زوجین نیز می‌تواند در تعیین مصادیق و یا مقدار نفقه دخالت داشته باشد. به عنوان مثال، از دیدگاه شریعت هرگاه شأن یا وضعیت زن اقتضا داشته باشد که برای او خدمتکار گرفته شود، استخدام خدمتکار برای زن نیز از جمله مصادیق نفقه به‌شمار می‌رود (روحانی، ۱۳۹۲، ص ۱۰۷).

در نظام حقوقی افغانستان نفقه زوجه بعد از عقد صحیح و نافذ برعهده زوج دانسته است. بنابراین، می‌توان گفت: منظور از نفقه زوجه، مخارج و احتیاجات ضروری متناسب با وضعیت اجتماعی ایشان است. عناصر و مصادیق نفقه منحصر در مصادیق ذکر شده نبوده،

^۱ ماده ۱۱۱۱ قانون مدنی ایران: «زن می‌تواند در صورت استکفاف شوهر از دادن نفقه به محکمه رجوع کند. در این صورت محکمه میزان نفقه را معین و شوهر را به ادای آن محکوم خواهد کرد».

^۲ ماده ۱۱۲۹ قانون مدنی ایران: «در صورت استکفاف شوهر از دادن نفقه و عدم اجراء حکم محکمه و الزام او به دادن نفقه زن می‌تواند برای طلاق به حاکم رجوع کند و حاکم شوهر او را اجبار به طلاق می‌نماید. همچنین است در صورت عجز شوهر از دادن نفقه».





بلکه از باب تمثیل از مصادیق نفقه می‌باشند؛ زیرا در تعیین دقیق مصادیق نفقه عوامل و زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و حتی زمانی دخالت دارد که با توجه به این عوامل، مصادیق نفقه زوجه از یک جامعه نسبت به جامعه دیگر و از یک مقطع زمانی به مقطع زمانی دیگر می‌تواند متفاوت باشد.

۲-۲. نفقه اقارب^۱

در نظام حقوقی افغانستان مصادیق نفقه فرزندان و اقارب تصریح نشده است که در مواد ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، قانون مدنی افغانستان در مورد پرداخت نفقه فرزندان و در مواد ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶ در مورد پرداخت نفقه اقارب تبیین شده است. همچنین، نظام حقوقی افغانستان با توجه به ماده ۲۶۶^۲ قانون مدنی افغانستان افزون بر اقارب نسبی خط عمودی صعودی و نزولی، اقارب نسبی در خط افقی را نیز شامل می‌شود. با این تفاوت که اقارب در خط عمودی با تغییر دین هم نفقه‌اش از عهده منفق ساقط نمی‌شود؛ اما اقارب در نسبی در خط افقی با تفاوت دین نفقه از عهده منفق ساقط می‌شود. ماده ۱۲۰۴ قانون مدنی ایران در مورد نفقه اقارب چنین می‌نویسد: «نفقه اقارب عبارت است از مسکن، البسه و غذا و اثاث‌البیت به قدر رفع حاجت با در نظر گرفتن درجه استطاعت منفق». مطابق مفاد ماده ذیل اولاً نفقه اقارب صرفاً چند مورد خاص را شامل می‌شود؛ ثانیاً، در پرداخت نفقه اقارب توانایی مالی منفق برای پرداخت شرط می‌باشد. در مواد ۱۱۹۶، ۱۱۹۷، ۱۱۹۸، ۱۱۹۹، ۱۲۰۰، ۱۲۰۱، ۱۲۰۲، ۱۲۰۳ قانون مدنی ایران چگونگی شرایط پرداخت نفقه به اقارب از سوی منفق به تفصیل تبیین شده است.

بنابراین، انفاقی که منفق در حالت نیازمندی اقربا با توجه به شرایط هزینه کند، البته بنابر قول اکثر فقها، بعد از مخارج شخصی و نفقه زوجه بر نفقه اقارب ارجحیت دارد؛ زیرا همان‌طور که بعضی از فقها می‌گویند نفقه زوجه ناشی از معاوضه و نفقه اقارب ناشی از مواسات است و معاوضه از نظر شارع اقواست؛ زیرا می‌دانیم زوجه در هر حال (اعم از نیاز یا تمکن مالی زوجه و اعم از فقر و غنای زوج) مستحق نفقه است؛ اما اولادی که توانایی مالی دارند یا پدرشان دچار اعسار است، این استحقاق را ندارند (پورعبدالله، ۱۳۹۰، ص ۱۵۳).

^۱ Relative's alimony

^۲ ماده ۲۶۶ قانون مدنی افغانستان: «باستثنای نفقه اصول و فروع با اختلاف دین ساقط می‌گردد».

ملاک در پرداخت نفقه اقارب منوط به توانایی پرداخت ازسوی انفاق‌کننده و نیازمندی انفاق‌شونده است. پرداخت نفقه اقارب از مصادیق «حکم» شمرده شده و اسقاط آن مجاز دانسته نشده است. حال آنکه، نفقه زوجه از مصادیق «حق» دانسته شده و اسقاط آن مجاز شمرده شده است. به نظر می‌رسد با توجه به اینکه نفقه اقارب که از مصادیق حکم و غیرقابل اسقاط دانسته شده است، تکلیف به انفاق منوط به شرایط اقتصادی و نیازمندی طرفین است، در بحث نفقه زوجه که از مصادیق حق و قابل اسقاط نیز دانسته شده است، می‌توان از این ملاک که قوی‌تر نیز است، استفاده کرد؛ چنان‌که نفقه نفس بر نفقه زوجه مقدم دانسته شده است (کلباسی، ۱۴۰۲، ص ۱۷)، نفقه زوجه بر نفقه اقارب مقدم است.

ب) ارکان جرم ترک انفاق

جرم ترک انفاق^۱ از جرائم مطلق است که با ارتکاب رفتار فیزیکی همراه با سوءنیت و شرایطی وقوع می‌یابد که در این بحث به ارکان سه‌گانه (قانونی، مادی و معنوی) به تفصیل در نظام‌های حقوقی افغانستان و ایران تحلیل و بررسی شده است.

۱. رکن قانونی

در خصوص رکن قانونی جرم ترک انفاق ماده ۶۳۵ کود جزا «(۱) شخصی که به ادای نفقه زوجه یا یکی از اصول یا فروع خود یا دیگری، یا به ادای اجرت حضانت یا رضایت یا سکونت محکوم و تا مدت یک ماه بعد از ابلاغ حکم با وجود قدرت به ادای آن از تأدیه امتناع ورزد، به حبس قصیر یا جزای نقدی از سی هزار تا شصت هزار افغانی محکوم می‌گردد. (۲) رسیدگی به دعوی جرم مندرج فقره (۱) این ماده منوط به شکایت شاکی می‌باشد». در حالت مندرج فقره (۱) این ماده، دعوی به اثر انصراف صاحب مصلحت و شکایت یا به ادای چیزی که به ذمه شخص طرف شکایت باقی مانده منقضی می‌گردد و اگر انصراف یا اداء بعد از صدور حکم در دعوی صورت بگیرد، تطبیق جزا متوقف می‌گردد».

از ماده یادشده چنین استنباط می‌شود که تأمین هزینه‌های متعارف زندگی زوجه با شوهر است. بدین مفهوم شوهر هر قدر فقیر و ناتوان باشد و زوجه هر قدر اوضاع مالی خوبی داشته باشد، باز هم در اصل موضوع تغییری ایجاد نمی‌کند و شوهر باید نفقه همسر خود را پرداخت کند. پس این تکلیف شوهر است که در هیچ حالتی نباید ترک شود و در صورت ترک این

¹ Crime of non-payment of alimony





تکلیف، پیامد حقوقی و جزایی در پی خواهد داشت؛ زیرا در هر کشور و فرهنگی، روشی خاص برای تنظیم روابط مالی زن و شوهر پیش‌بینی و در قانون مدنی تأکید شده است که در ازدواج دائم نفقه زن برعهده مرد است (بنیاد آسیا، ۱۳۹۸، ص ۴۰۶).

همچنین، نفقه والدین و اجداد و برخی خویشاوندان نسبی نیز با وجود شرایط برعهده مرد است؛ اما نفقه اقارب با نفقه زوجه تفاوت دارد. در پرداخت نفقه اقارب استطاعت مالی زوج و عدم توانایی مالی و عدم اشتغال اقارب نفقه برعهده مرد می‌شود. موضوع جرم در فقره (۱) این ماده افراد واجب‌النفقة یا افرادی که مستحق اجرت هستند که در مورد ترک انفاق یا ترک اجرت قرار گرفته‌اند؛ هرگاه فردی مکلف به پرداخت نفقه زوجه باشد یا مطابق ماده ۲۶۴ قانون مدنی افغانستان موظف به پرداخت نفقه اصول و فروع خود باشد. برای مثال، پدر یا مادر یا جد این شخص فقیر است و در عین حال، توانایی انجام اشتغال را ندارد یا شخصی مکلف به پرداخت نفقه دیگری است، طبق ماده ۲۶۵ قانون مدنی افغانستان، نفقه او برعهده اقارب موسر و توانمندی است که از او ارث می‌برند. حال شخصی که مسئول پرداخت نفقه به زوجه و اقارب خود است، از پرداخت آن امتناع ورزد، طبق قانون مجرم شناخته شده و مستحق مجازات می‌شود که سه شرط برای تحقق جرم ترک نفقه تبیین شده است:

۱. شخصی که از ادای نفقه امتناع ورزد، متضرر در محکمه شکایت نموده باشد و محکمه وی را به ادای نفقه محکوم کرده باشد؛ ۲. پس از محکومیت و ابلاغ حکم محکمه یک‌ماه سپری شده باشد و محکوم‌علیه حکم محکمه را اجرا نکرده باشد؛ ۳. شخص محکوم توانایی پرداخت نفقه را داشته باشد و این تشخیص توانایی مالی وی برعهده محکمه است. بنابراین، شخصی که مسئول پرداخت نفقه است و هر سه شرط یادشده فراهم باشد، مرتکب جرم امتناع از وظیفه شناخته می‌شود و اگر یکی از سه شرط یادشده نسبت به فرد مسئول پرداخت نفقه نباشد، مثلاً، متضرر در محکمه علیه متهم شکایت نکرده باشد، در این صورت مشمول حکم فقره (۱) ماده ۶۳۵ کود جزا نمی‌شود (بنیاد آسیا، ۱۳۹۸، ص ۴۰۸).

با توجه به صدر ماده ۶۳۵ کود جزا افغانستان (۱) «شخصی که به ادای نفقه زوجه یا یکی از اصول و فروع خود یا دیگری...» مطابق به مفاد ماده ذیل منفق ملزم به پرداخت نفقه زوجه، اصول و فروع (اقارب در خط عمودی صعودی و نزولی، اقارب در خط عمودی افقی) را شامل می‌شود، حال پرسش اینجاست که واژه «دیگری» دلالت بر چه شخص دارد؟ مقصد قانون‌گذار چیست؟ در پاسخ به این پرسش با استنباط به ماده ۲۶۶ قانون مدنی افغانستان،

«به استثنای نفقه اصول و فروع، نفقه با اختلاف دین ساقط می‌گردد». از فحوای این ماده چنین استنباط می‌شود که منفق افزون‌بر پرداخت نفقه زوجه، اقربای خود در خط عمودی صعودی و نزولی (اصول و فروع)، با توجه به شرایط ملزم به پرداخت نفقه اقارب نسبی خود در خط افقی (خواهر و برادر) نیز می‌شود.

نظام حقوقی ایران در ماده ۵۳ قانون حمایت از خانواده در مورد پرداخت نفقه چنین می‌نویسد: «هر کس با داشتن استطاعت مالی، نفقه زن خود را در صورت تمکین او ندهد یا از تأدیه نفقه سایر اشخاص واجب‌النفقه امتناع کند، به حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شود. تعقیب کیفری منوط به شکایت شاکی خصوصی است و در صورت گذشت وی از شکایت در هر زمان تعقیب جزایی یا اجرای مجازات موقوف می‌شود». تبصره: «امتناع از پرداخت نفقه زوجه واجب‌النفقه‌ای که به موجب قانون مجاز به عدم تمکین است و نیز نفقه فرزندان ناشی از تلقیح مصنوعی یا کودکان تحت سرپرستی مشمول مقررات این ماده است».

در صدر ماده (هر کس) در بحث نفقه زوجه شامل مرد می‌شود، در نفقه اقارب هر دورا شامل می‌شود. در قسمت پرداخت نفقه زوجه در عقد دائم نیازمندی زوجه شرط نیست. همین‌که عقد جاری شد، نفقه زوجه برعهده شوهر است؛ ولی در بحث پرداخت نفقه اقارب از جمله فرزندان پدر و مادر منفق، شرط اول پرداخت نفقه زوجه است. در قدم دوم در صورت استطاعت مالی منفق ابتدا اقارب نسبی خط عمودی است. ابتدا اقارب نسبی خط عمودی نزولی و سپس اقارب نسبی خط عمودی صعودی است. مواد ۱۱۹۷، ۱۲۰۰، ۱۲۰۱، ۱۲۰۲، ۱۲۰۳ قانون مدنی ایران، در قسمت پرداخت نفقه اقارب استطاعت مالی منفق، نیازمندی مالی و عدم امکان اشتغال منفق علیه برای تأمین معیشت، برای پرداخت نفقه آنها از سوی منفق شرط می‌باشد.

همچنین، در بحث پرداخت نفقه زوجه دامنه نفقه گسترده است و چند مورد در ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی ایران از باب تمثیل ذکر شده و تمامی نیازمندی‌های متعارف زوجه را شامل می‌شود و اما در ماده ۱۲۰۴ قانون مدنی ایران نفقه اقارب را شامل (مسکن، البسه، غذا و اثاث البیت) به‌قدر رفع ضرورت با در نظر گرفتن استطاعت مالی منفق تبیین نموده است. دایره حمایت قانون‌گذار در نفقه اقارب محدود است. مثال، پدر منفق بیمار شده، در این صورت هزینه درمانی جزء نفقه پدر به‌شمار نمی‌رود؛ ولی اگر زوجه بیمار شود، هزینه درمانی از نیازهای متعارف و جزء نفقه زوجه به‌شمار می‌رود. همچنین، گفستی است که زوجه جزء





اقارب سببی شوهر می‌شود؛ یعنی شوهر به لحاظ رابطه زوجیت ملزم به پرداخت نفقه زوج می‌شود. در پرداخت نفقه برای اقارب صرفاً اقارب نسبی در خط عمودی صعودی (پدر و مادر...) اقارب نسبی در خط عمودی نزولی (فرزندان، نوه) با توجه به شرایط مستحق نفقه ازسوی منفق می‌شوند و اقارب رضاعی را شامل نمی‌شود؛ اما نظام حقوقی افغانستان دایره مسئولیت کیفری منفق را نسبت به نظام حقوقی ایران گسترده گرفته و اقارب نسبی در خط عمودی (والدین، اجداد، فرزندان، نوه...) و اقارب نسبی در خط افقی (خواهر و برادر) می‌شود را نیز مستحق نفقه ازسوی منفق با توجه به شرایط دانسته است.

۲. رکن مادی

رفتار فیزیکی جرم ترک انفاق زوجه و اقارب در نظام حقوقی افغانستان طبق فقره (۱) ماده ۶۳۵ کود جزای افغانستان عبارت است از ترک فعل انفاق یا ترک پرداخت اجرت. بنابراین، رفتار مادی از نوع ترک فعل است و جرم از نوع مطلق و با صرف ترک انفاق و اجرت در نظام حقوقی افغانستان جرم محقق می‌شود و مقید به ورود ضرر بر شخصی و نتیجه خاص دیگری نیست. این جرم از جهت جرم آنی و مستمر، از جرائم مستمر می‌باشد (بنیاد آسیا، ۱۳۹۸، ص ۴۰۸). در نظام حقوقی ایران این جرم نیز مشتمل بر دو جزء رفتار فیزیکی مرتکب و شرایط لازم برای تحقق جرم می‌باشد.

۱-۲. رفتار مرتکب

رفتار مادی مرتکب جرم ترک انفاق، در نظام حقوقی افغانستان طبق ماده ۶۳۵ کود جزا «امتناع از تادیه محکوم‌به» از نوع ترک فعل در برابر تکلیف یا وظیفه‌ای است که قانون‌گذار برای منفق در نظر گرفته است. حال اگر شوهر طلبی از همسر خود داشته باشد و نسبت به آن بدهی که زوجه نسبت به همسر دارد، اینجا پرسش پیش می‌آید که در صورت عدم پرداخت نفقه زوجه، شوهر بر مبنای طلب قبلی که دارد، بر زوجه آیا جرم ترک انفاق را مرتکب می‌شود یا خیر؟ آیا نفقه زوجه بدین لحاظ تهاatrپذیر است یا خیر؟

در پاسخ به این پرسش چنین تبیین می‌شود که نفقه زوجه تهاatrپذیر نیست؛ بدین مفهوم اگر زوج از همسرش مطالباتی داشته باشد، نمی‌تواند با استناد به آن مطالبات، و تهاatr آن با طلب ناشی از نفقه، از پرداخت نفقه همسر خود امتناع و استنکاف ورزد و آن را بهانه نپرداختن نفقه زوجه خویش قرار دهد. دست‌کم در صورتی که زن نیازمند نفقه باشد، این موضوع تهاatrپذیر

نیست. از فقهای اهل سنت مذهب حنفی و مالکی می‌گوید اگر زوجه فقیر باشد و زوج بر زن خود قرضی داشته باشد و به این بهانه بخواهد از دادن نفقه امتناع ورزد تا زمانی که زن بر آن راضی نباشد، نمی‌تواند از پرداخت نفقه زوجه سر باز زند (روحانی، ۱۳۹۲، ص ۱۱۰).

در صورتی که پرداخت نفقه زوجه در حالتی که وی نیازمند است تهاثرپذیر نیست، با این استناد آیا نفقه زوجه تقاص‌پذیر است یا خیر؟ تقاص بدین مفهوم اگر مردی از پرداخت نفقه زوجه امتناع ورزد، زن می‌تواند به اندازه نفقه خود از مال و دارایی شوهر بدون اجازه وی برداشت نماید. البته این برداشت باید به قدر لزوم و کفایت و متعارف باشد (همان). همچنین، امام خمینی (رح) نیز فرموده کسی که نفقه بر او واجب است و از پرداخت آن خودداری کند، قاضی وی را مجبور می‌کند و اگر قاضی وجود نداشت، سایر افراد او را مجبور کنند، اگر اجبار او ممکن نباشد و مالی داشته باشد که واجب النفقه بتواند به اندازه نفقه تقاص کند، برای زوجه تقاص جایز است (کریمی، ۱۳۹۸، ص ۱۸۰).

بنابراین، نفقه زوجه تهاثرپذیر نیست و شوهر به بهانه طلبی که برعهده زوجه دارد، نمی‌تواند از پرداخت نفقه امتناع ورزد، و این رفتار شوهر مشمول ترک انفاق می‌شود. در باب تقاص باید چنین بیان کرد که نفقه زوجه تقاص‌پذیر است و در صورت امتناع زوج از پرداخت نفقه، زوجه می‌تواند در حد متعارف از اموال و دارایی همسر به عنوان نفقه بردارد. شرایط لازم برای تحقق ترک انفاق زوجه و اقربا تفاوت دارد که در ادامه به تحلیل و بررسی آنها پرداخته شده است.

۱-۱-۲. شرایط لازم برای ترک انفاق زوجه در حقوق افغانستان و ایران

جرم ترک انفاق در صورتی محقق می‌شود که شرایط آن وجود داشته باشد. در نظام حقوقی افغانستان در ماده ۶۳۵ کود جزا و در نظام حقوقی ایران در ماده ۵۳ قانون حمایت از خانواده شرایط تحقق جرم ترک انفاق را به صورت مشخص تبیین نموده است؛ البته گفتنی است که شرایط جرم ترک انفاق زوجه در هر دو نظام حقوقی متفاوت می‌باشد که در ادامه به تحلیل و بررسی آنها پرداخته شده است.

۱-۱-۲-۱. شرایط ترک انفاق زوجه در نظام حقوقی افغانستان

در نظام حقوقی افغانستان مطابق به مفاد ماده ۶۳۵ کود جزا سه شرط را برای تحقق جرم ترک انفاق بیان کرده است که به تحلیل و بررسی آنها در ادامه پرداخته شده است.



- منفق

شخصی که از ادای نفقه یا اجرت امتناع می‌کند، از طرف متضرر در محکمه شکایت شده باشد و محکمه وی را به ادای نفقه یا اجرت محکوم کرده باشد؛ بدین مفهوم که در نظام حقوقی افغانستان صرف امتناع از پرداخت نفقه یا اجرت به تنهایی جرم شمرده نمی‌شود، بلکه محکمه باید قبلاً منفق را مکلف به ادای نفقه کرده باشد. این زمانی است که محکمه تکلیف پرداخت نفقه و اجرت را مشخص و حکم قطعی در مورد پرداخت صادر کرده باشد. اگر منفق پس از صدور حکم قطعی محکمه از پرداخت نفقه یا اجرت عمداً استتکاف ورزد، جرم ترک انفاق محقق می‌شود. در صورتی که شخص منفق به برادر خود وکالت اجرای حکم محکمه برای پرداخت نفقه داده، و خود منفق به خارج از کشور سفر نموده باشد، شخص که به‌عنوان وکیل تعیین شده از صرافانی پول را گرفته، ولی حکم محکمه را اجرا نکند، آیا جرم ترک انفاق محقق شده یا خیر؟

در مثالی که تبیین شده بنا بر قسمت صدر ماده ۶۳۵ کود جزای افغانستان (۱) «شخصی که به ادای نفقه زوجه یا یکی از اصول و فروع خود یا دیگری.... تا مدت یک ماه بعد از ابلاغ حکم با وجود قدرت به ادای آن از تأدیه امتناع ورزد...»، مطابق مفاد این ماده جرم ترک نفقه از باب عنصر مادی محقق شده که فرد تا مدت یک ماه از اجرای حکم محکمه استتکاف ورزیده، ولی عنصر روانی در آن وجود ندارد؛ زیرا شخص منفق عمداً امتناع نکرده است، منفق پول را واریز کرده و برادر منفق که وکیل در اجرای حکم محکمه بوده، امتناع کرده است. بنابراین، جرم ترک نفقه واقع نشده زیرا ارتکاب هر جرم با اجتماع عنصر مادی و معنوی محقق می‌شود. حالا تکلیف منفق چیست؟ منفق از زمان اطلاع از عدم اجرای حکم محکمه توسط وکیلش باید اقدام به اجرای آن کند. همچنین، جرم ترک انفاق از جرائم قابل گذشت است و نیاز به شکایت شاکی خصوصی دارد.

- گذشت زمان معینه

پس از حکم محکومیت و ابلاغ حکم محکمه یک ماه سپری شده باشد و شخص محکوم‌علیه، حکم محکمه را تطبیق و اجرا نکرده باشد (بنیاد آسیا، ۱۳۹۸، ص ۴۰۸)، با این توضیح که پس از ابلاغ یا صدور حکم محکمه و گذشت مهلت قانونی (یک‌ماه) از ادای نفقه یا اجرت، منفق ممتنع از اجرای حکم محکمه نموده و در نتیجه عنوان جرم ترک انفاق محقق می‌شود.

- تمکن مالی منفق

شخص مسئول و مکلف توان پرداخت نفقه و اجرت را داشته باشد و تشخیص توان مالی شخص مسئول برعهده محکمه است. بنابراین، اگر نسبت به شخصی که مسئول پرداخت نفقه یا اجرت است، هر سه شرط یادشده در نظام حقوقی افغانستان فراهم باشد، مرتکب جرم امتناع از وظیفه شناخته می‌شود و اگر یکی از شرایط نسبت به فرد مسئول موجود نباشد، برای مثال، متضرر در محکمه علیه متهم (منفق) طرح شکایت نکرده باشد تا محکوم به پرداخت نفقه شده باشد یا فرد مستتکف توان مالی نداشته باشد و از ادای نفقه یا اجرت امتناع ورزد، مشمول حکم فقره (۱) ماده ۶۳۵ کود جزا نمی‌شود.

بنابراین، یکی از شرایط اساسی تحقق تکلیف انفاق تمکن مالی منفق است، مبنای حقوقی تأثیر توانایی مالی منفق بر تعیین مقدار نفقه چیست و تا چه میزان می‌توان تناسب میان سطح تمکن منفق و نیاز منفق علیه را معیار عدالت در الزام انفاق دانست؟ در نظام حقوقی افغانستان در مورد میزان نفقه اقارب قانون تصریح ضمنی نکرده است. در فقره (۱) ماده ۲۵۸ قانون مدنی چنین می‌نویسد: «مصارف نفقه پسر یا دختر صاحب کسب و کار در صورت کفایت از عوایدشان تأمین گردیده و در صورت عدم کفایت بقیه نفقه از طرف پدر تکمیل می‌گردد». در نظام حقوقی افغانستان تعریف مشخص از مقدار و میزان نفقه فرزندان و اقارب واجب‌النفقة نکرده است. از فحوای این ماده چنین استنباط می‌شود که نفقه فرزندان و اقارب در حد کفاف مایحتاج روزمره آنها می‌باشد. میزان نفقه قابل پرداخت کودک و اقارب براساس رفع نیازها و در حد امتناع است. هرگاه مستحق نفقه بیش از یک نفر باشد و منفق نتواند نفقه همه را بدهد، طبق ماده ۱۲۰۲ قانون مدنی ایران، اقارب در خط عمودی نزولی (فرزند) مقدم بر اقارب در خط عمودی صعودی (والدین) می‌باشند. حد نفقه اقارب یا حدود مسئولیت منفق در ماده ۱۲۰۴ قانون مدنی ایران به قدر رفع حاجت با توجه به استطاعت منفق محدود شده است. بنابراین، در نفقه فرزند (برخلاف نفقه زوجه) وضعیت اجتماعی فرد واجب‌النفقة مطمح نظر

^۱ ماده ۱۲۰۲ قانون مدنی ایران: «اگر اقارب واجب‌النفقة متعدد باشند و منفق نتواند نفقه همه آنها را بدهد اقارب در خط عمودی نزولی مقدم بر اقارب در خط عمودی صعودی خواهد بود».

^۲ ماده ۱۲۰۴ قانون مدنی ایران: «نفقه اقارب عبارت از مسکن والبسه و غذا و اثاث البیت به قدر رفع حاجت با در نظر گرفتن درجه استطاعت منفق».





نبوده، تنها رفع حاجت مورد توجه است (اسدی، ۱۳۹۷، ص ۳۴۱). نظام حقوقی ایران نفقه اقارب را به صورت مشخص تعریف و مصادیق آنها را تبیین نموده است که شامل مایحتاج روزمرگی اقارب با توجه به استطاعت مالی منفق می شود.

۲-۱-۱-۲. شرایط ترک انفاق در نظام حقوقی ایران

شرایط لازم برای ترک انفاق زوجه در نظام حقوقی ایران چهار مورد است که به تفصیل در ادامه بحث و بررسی شده است.

- استطاعت مالی زوج

یکی از شروط ترک نفقه زوجه که ازسوی زوج در ماده ۵۳ قانون حمایت از خانواده تصریح شده است، استطاعت مالی زوج می باشد. بدین مفهوم هر گاه شوهر از پرداخت نفقه برای همسر خود امتناع می ورزد و همسر از این جهت طرح دعوای کیفری کند، مرد باید استطاعت مالی داشته باشد. باید به این نکته توجه داشت که در طرح شکایت مدنی استطاعت مالی زوج شرط نیست. استطاعت مالی زوج را باید با توجه به مصادیق نفقه احراز نمود. قانون مدنی ایران در ماده ۱۱۰۷ در وجوب خادم، استطاعت مالی شوهر را مورد توجه قرار نداده است، در صورتی که در غیر مورد بیماری که وجوب خادم را دربردارد، استخدام خادم برای زوجه ای که در منزل پدری عادت به خادم داشته است واجب گرداند، تا حدی دور از منطق و عقل سلیم است.

از آنجاکه زوجه هنگام انتخاب زوج، با توجه به وضعیت و شرایط مالی وی و آگاهی از آن، پاسخ مثبت به ازدواج می دهد و راضی به تشریک مساعی با مرد در ساختن زندگی مشترک می شود، درواقع، خود را برای تطبیق با وضعیت اقتصادی زوج آماده می نماید و از طرفی با عنایت بر اینکه زوجین باید در استحکام مبانی خانواده سعی و کوشش نمایند، بنابراین، این تصور که زوج فقیری را ملزم به استخدام خادم جهت زوج نماییم، منافی با مصالح و روابط عاطفی و اخلاقی خانواده است. همچنین اعمال ضمانت های اجرایی نفقه زوجه به ویژه از نوع کیفری علیه شوهر در خصوص این مصداق از نفقه (خادم)، با عدالت و انصاف قضایی چندان سازگار نیست؛ زیرا این مورد با سایر نیازمندی های زوجه مانند خوراک، پوشاک و مسکن متفاوت است و درجه نیاز زن به اشیای یادشده نیز یکسان نمی باشد (اسدی، ۱۳۹۷، ص ۲۵۵ و ۲۵۶).

همچنین، رویه قضایی درخصوص تعقیب کیفری زوج از باب ترک انفاق، قائل به ضروریات زندگی با نگاه حداقلی است. به عنوان مثال، در نظر مشورتی شماره ۷/۲۲۵۸ مورخ ۱۳۷۸/۶/۲ آمده است: اگر مبلغی که زوج به عنوان نفقه به زوج می دهد به قدری باشد که کفاف تهیه مسکن و یا کرایه مسکن و خرید لباس و اثاث البیت و غذا را بنماید، مشمول ترک انفاق نیست؛ ولو نفقه یک روزه باشد. اما اگر فقط مبلغی جزئی در حد کفاف غذا و مخارج روزانه به زوج بپردازد، بدون تهیه اثاث و لباس و سایر شقوق و جزئیات اموری که انفاق قانونی محسوب می شوند، مشمول ترک انفاق است (اسدی، ۱۳۹۷، ص ۲۵۷).

با توجه به مواردی که تبیین شد، نفقه زوج شامل تمام نیازهای متعارف وی می شود و در پرداخت نفقه زوج ملاک دارا بودن زن نیست. شوهر با جاری شدن عقد دائم ملزم به پرداخت نفقه همسر خود می باشد. در صورت عدم پرداخت زن می تواند دعوای کیفری علیه شوهر اقامه کند و در آن استطاعت مالی زوج شرط می باشد. همچنین، اثبات استطاعت مالی زوج برعهده زوج است.

- تمکین زوجة

شرط وجوب نفقه برای زوج، انعقاد عقد دائم بین طرفین و تمکین زوجة است. بنابراین، تمکن مالی زوجة نقشی در وجوب نفقه برای او ندارد و به همین دلیل می تواند نفقه زمان گذشته را از زوج مطالبه نماید (اسدی، ۱۳۹۷، ص ۲۵۷). بنابراین، برخی از حقوقدانان بر این اعتقادند که اگر زن مدتی از شبانه روز را در بیرون از منزل بگذراند، نباید نفقه کامل به وی تعلق گیرد و حتی باید عهده دار پرداخت قسمتی از نفقه و خرج خانواده باشد (شریف، ۱۳۷۷، ص ۲۶).

در تعریف تمکین دو معنای عام و خاص را باید توجه داشت. معنای عام تمکین در کلیه مسائل زندگی، زوجة را مکلف به تبعیت از اراده زوج می گرداند، نشوز برضد تمکین است؛ یعنی «خروج از اطاعت زوج در استمتاع و غیر آن». مانند اشتغال به کاری که مخالف با حیثیت خانوادگی باشد و یا بیرون رفتن از منزل بدون اجازه زوج. در حقوق موضوعه، ماده ۱۱۰۲ قانون مدنی ایران وقوع عقد نکاح را موجب حقوق و تکالیف زوجین در مقابل یکدیگر دانسته و بدین ترتیب، به مجرد عقد نکاح، زوج را ملزم به پرداخت نفقه زوجة نموده است.





ازسوی دیگر، ماده ۱۱۰۶ قانون مدنی ایران در عقد دائم نفقه زن را به طور مطلق برعهده زوج قرار داده است و در ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی ایران نیز به طور صریح نشوز را مانع حق نفقه دانسته است. همچنین، اداره حقوقی قوه قضائیه دولت ایران در پاسخ به این سؤال که آیا بلافاصله پس از نکاح، زوجه حق مطالبه نفقه و تعقیب کیفری زوج را دارد، با استناد به مفاد ماده ۱۱۰۲ چنین نظر داده است: «همین که نکاح به صحت واقع شد، حقوق و تکالیف زوجین در مقابل یکدیگر برقرار گردیده و به محض وقوع نکاح، زوج حق تمکین زوجه را بخواهد و زوجه نیز حق مطالبه نفقه و تعقیب را خواهد داشت» (اسدی، ۱۳۹۷، ص ۲۶۰). بدین ترتیب مطابق تبصره ماده ۵۳ قانون حمایت از خانواده، امتناع از پرداخت نفقه زوجه‌ای که به موجب قانون مجاز به عدم تمکین است... را مشمول مقررات این ماده دانسته است. بنابراین، از فحوای مواد یادشده چنین تبیین می‌شود که برای پرداخت نفقه زوجه تمکین مطلق وی به زوج شرط دانسته شده است.

- حال بودن نفقه

در مورد اینکه آیا طرح دعوی کیفری از طرف زوجه نفقه گذشته و حال را شامل می‌شود، در پاسخ به این پرسش چند نظریه مشورتی را بحث و بررسی می‌کنیم. نظریه مشورتی شماره ۷/۱۹۶۷ مورخ ۱۳۸۳/۳/۲۴ اداره حقوقی قوه قضائیه به شرط حال بودن نفقه برای تعقیب زوج می‌نویسد: «جنبه جزایی ترک انفاق صرفاً ناظر به زمان حال است نه گذشته و آینده و چون ترک انفاق جرم مستمری است، به لحاظ استمرار آن می‌تواند به دفعات مورد شکایت واقع شود» (اسدی، ۱۳۹۷، ص ۲۶۵). از نظریه یادشده چنین برمی‌آید که زوجه می‌تواند نسبت به نفقه گذشته و آینده خود در محکمه خانواده طرح دعوا کند؛ اما در رسیدگی و تعقیب کیفری آن نسبت به نفقه حال می‌تواند اقامه دعوا کند.

- دائم بودن نکاح

یکی از شرایط تحقق جرم ترک انفاق در نظام حقوقی ایران دائم بودن نکاح می‌باشد. این گزاره بدین مفهوم نیست که شامل عقد منقطع نمی‌شود؛ بلکه طبق مفاد ماده ۱۱۱۳ قانون مدنی ایران در عقد انقطاع زن واجب‌النفقه نیست، مگر اینکه در عقد شرط انفاق صورت گرفته باشد.

۲-۲. نتیجه جرمی

جرم ترک انفاق در حقوق افغانستان و ایران از جرائم مطلق است و نیاز به نتیجه مجرمانه ندارد. بدین توضیح که که با صرف ترک حکم به انفاق و ترک حکم از ادای اجرت جرم محقق می‌شود؛ یعنی صرف ترک نفقه در نظام حقوقی افغانستان جرم‌انگاری نشده است. همچنین، اگر حکم قطعی در ادای نفقه یا اجرت صادره شده و شخص منفق عمداً امتناع ورزد، به مدت یک‌ماه جرم ترک انفاق محقق می‌شود. در نظام حقوقی ایران صرف ترک انفاق جرم‌انگاری شده و از جرائم قابل گذشت بوده و منوط به شکایت شاکی می‌باشد.

۲-۲-۱. شرایط ترک انفاق اقارب

شرایط لازم برای تحقق جرم ترک انفاق اقارب نسبت به زوجه تا حدی متفاوت است که به شرح زیر در نظام حقوقی افغانستان و ایران با تفصیل مورد بحث و بررسی قرار گرفته و نقاط اشتراک و افتراق آن تبیین شده است.

- وجود رابطه قرابت در خط عمودی (اصول و فروع)

طبق فقره (۱) ماده ۶۳۵ کود جزای افغانستان «شخصی که به ادای نفقه زوجه یا یکی از اصول و فروع خود یا دیگری، یا به ادای اجرت یا حضانت...»، در صدر این ماده کود جزای افغانستان، مقصود از واژه «دیگری» کیست؟ آیا طبق قانون افغانستان به جز منفق کس دیگری هم از باب عدم پرداخت نفقه ازسوی منفق به مجازات محکوم می‌شود یا خیر؟ برای پاسخ به این پرسش یک نگاهی اجمالی به ماده ۲۶۰ قانون مدنی افغانستان می‌اندازیم. در این ماده مقنن قیدی را ذکر کرده که باوجود اینکه پدر معسر باشد، اما توانایی انجام کار داشته باشد، نفقه فرزندان به هیچ صورت از عهده وی ساقط نمی‌شود. مقنن افغانستان ولی را مکلف و ملزم دانسته تا نفقه فرزندان را از اموال پدر مطالبه کند. در ماده ۲۶۴^۱ نیز تأکید بر منفق برای پرداخت نفقه اقارب در خط عمود (اصول و فروع) وی نموده است، با شرط فقیر بودن

^۱ ماده ۲۶۰ قانون مدنی افغانستان: «هرگاه پدر معسر بوده و از کسب و کار عاجز نباشد، پرداخت نفقه اولاد از ذمه وی ساقط نمی‌گردد. در این صورت ولی‌ای که بعد از پدر قرار دارد مکلف است به پرداخت نفقه اولاد بوده، حین یسار پدر مصارف نفقه را از وی مطالبه می‌نمایند».

^۲ ماده ۲۶۴ قانون مدنی افغانستان: «نفقه والدین، اجداد و اجدادی که فقیر باشند؛ خواه توان کسب کار را داشته باشند یا نه، به دوش فرزندی است که موسر باشد؛ خواه فرزند پسر باشد یا دختر، صغیر باشد یا کبیر».





آنها بدون توجه به اعسار موسر دارد. ولی در نظام حقوقی ایران در پرداخت نفقه اقارب اولین شرط تمکن مالی منفق است و هیچ الزامی برای پرداخت نفقه اقارب در صورت عدم تمکن مالی ندارد که در ماده ۱۱۹۸^۱ قانون مدنی ایران این مورد تبیین شده است.

با این توضیح که در نظام حقوقی افغانستان طبق ماده ۲۶۴ قانون مدنی با صرف فقیر بودن اقارب در خط عمودی منفق ملزم به پرداخت نفقه می شود و تمکن مالی منفق وضع معیشت وی مد نظر نبوده است و اما قانون گذار ایران در پرداخت نفقه اقارب از نکات کلیدی که تبیین نموده تمکن مالی منفق است، که این مورد یکی از تفاوت ها در پرداخت نفقه در نظام حقوقی افغانستان و ایران می باشد. افرادی که واجب النفقه ازسوی منفق می باشند عبارت اند از: زوجه دائم، پدر، مادر، اولاد، نوه، و اجداد.

طبق ماده ۱۱۹۶^۲ قانون مدنی ایران اقارب و خویشاوندان نسبی در خط عمودی اعم از صعودی یا نزولی ملزم به اتفاق به یکدیگرند و الزام به اتفاق خویشاوندان سببی یا رضاعی و خویشاوندان نسبی در خط افقی وجود ندارد؛ بنابراین خواهر یا برادر، دایی (ماما) و خاله عمو (کاکا) و عمه واجب النفقه نمی باشند؛ اما پدر و مادر هر چه بالاتر برود و فرزند و اولاد ایشان در صورت نیاز واجب النفقه محسوب می شوند (خلیلی، ۱۳۷۸، ص ۵).

- نیاز منفق علیه

در فقه امامیه، لزوم اتفاق به خویشاوندان مشروط به دو شرط نیاز و فقر منفق علیه است. مواد ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳ قانون مدنی افغانستان در مورد نفقه فرزندان و شرایط پرداخت آن است. ماده ۲۵۶^۳ قانون مدنی افغانستان در مورد نفقه پسر

^۱ ماده ۱۱۹۸ قانون مدنی ایران: «کسی ملزم به اتفاق است که متمکن از دادن نفقه باشد؛ یعنی بتواند نفقه بدهد، بدون اینکه از حیث در وضع معیشت خود دچار مضیقه گردد. برای تشخیص تمکن باید کلیه تعهدات وضع زندگانی شخص در جامعه مدنظر گرفته شود».

^۲ ماده ۱۱۹۶ قانون مدنی ایران: «در رابطه بین اقارب فقط اقارب نسبی در خط عمودی اعم از صعودی و نزولی ملزم به اتفاق به یکدیگرند».

^۳ ماده ۲۵۶ قانون مدنی افغانستان: «نفقه با تمام انواع آن در قسمت پسر صغیر تا وقت توان کسب و کار و در قسمت دختر صغیره تا وقت ازدواج به دوش پدر می باشد».

صغیر تا زمان کسب و کار و دختر صغیره تا زمان ازدواج برعهده پدر است. در ماده ۲۵۷^۱ قانون مدنی افغانستان پسر کبیر که توان کسب و کار را نداشته باشد و فقیر باشد، پدر مکلف به پرداخت نفقه وی می باشد و اما در مورد دختر چه توان کسب کار را داشته باشد چه نداشته باشد و چه فقیر باشد یا نباشد، طبق این ماده قانون مدنی افغانستان تا وقت ازدواج نفقه دختر بدون توجه به شرایط برعهده پدر می باشد.

ماده ۲۵۸^۲ قانون مدنی افغانستان در فقره اول و دوم خود چنین می نویسد: فرزندان که صاحب کسب و کار باشند و عوایدشان کفاف معیشتشان نباشد، از پرداخت نفقه توسط پدر برایشان تکمیل می شود. در صورتی که فرزندان صغیر عواید کسب و کارشان بیشتر از مصارف نفقه شان باشد، در این صورت، عواید اضافی آنها را پدر نگهداری می کند تا زمان بلوغ دوباره مسترد می نماید. در ماده یادشده مقنن افغانستان با توجه به صغر سن فرزندان نگهداری عواید ایشان را تا زمان بلوغ از باب مصحلت فرزند برعهده پدر گذاشته است.

- تمکن منفق

فقههای امامیه اتفاق نظر دارند که در وجوب نفقه، قدرت فرد بر دادن نفقه شرط است و کسی که چیزی زاندی بر مخارج خود داشته باشد، متمکن است (اسدی، ۱۳۹۷، ص ۳۳۸). ماده ۳۲۵۹^۳ قانون مدنی افغانستان بیان کرده اگر پدر تمکن مالی و توانایی کسب کار نداشته باشد، در این صورت، پرداخت نفقه از عهده پدر ساقط می شود و برعهده ولی انتقال پیدا می کند. تأکید این ماده بیشتر روی فرزندان است که نفقه آنها باید پرداخت شود؛ چه از طریق پدر یا ولی.

^۱ ماده ۲۵۷ قانون مدنی افغانستان: «نفقه پسر کبیر که توان کسب و کار را نداشته و فقیر باشد، همچنان نفقه دختر کبیره تا وقت ازدواج به دوش پدر است».

^۲ ماده ۲۵۸ قانون مدنی افغانستان (۱): مصارف نفقه پسر یا دختر صاحب کسب و کار در صورت کفایت از عوایدشان تأمین شده و در صورت عدم کفایت بقیه از نفقه تأمین می گردد. (۲): هرگاه عواید کسب و کار اولاد بیشتر از مصارف نفقه شان باشد، مقدار اضافی از طرف پدر ذخیره شده و بعد از بلوغ به آنها مسترد می گردد.

^۳ ماده ۲۵۹ قانون مدنی افغانستان: «هرگاه پدر توان پرداخت نفقه اولاد خود را نداشته و از کسب و کار نیز عاجز باشد، مکلفیت نفقه اولاد به ولی بعد از پدر انتقال می کند».





در مورد اقارب در خط عمودی نزولی (پدر و اجداد پدری) در ماده ۲۶۴ قانون مدنی افغانستان پرداخت نفقه والدین و اجداد پدری در خط عمودی صعودی... از باب حرمت آنها قانون‌گذار در این ماده توجه به تمکن مالی منفق ندارد؛ حتی اگر منفق موسر هم باشد، نفقه آنها برعهده فرزند موسر می‌باشد. همچنین، در ماده ۲۶۵ قانون مدنی افغانستان قانون‌گذار حمایت از افراد ناتوان از خانواده نموده است؛ بدین مفهوم هرگاه شخصی به علت فقر یا بیماری عقلی و عصبی از تأمین مایحتاج خود عاجز باشد، تأمین نفقه وی برعهده اقارب متمکن ایشان گذاشته می‌شود؛ به نحوی که خویشاوندان موسر به اندازه سهمی که در صورت فوت آن شخص از او ارث می‌برند، مسئول پرداخت بخشی از نفقه شخص موسر خواهند بود که هدف آن حفظ کرامت انسانی، تأمین نیازهای اساسی اشخاص ناتوان و تحکیم پیوندهای خانوادگی است.

در ماده ۲۶۶ قانون مدنی افغانستان درخصوص پرداخت نفقه اقارب با اختلاف دین چنین اذعان می‌دارد که اگر میان اشخاص محتاج نفقه (موسر) و شخصی که قانوناً باید نفقه آن پرداخت شود، اختلاف در دین وجود داشته باشد، در این صورت، اصل تکلیف از پرداخت نفقه ساقط می‌شود. بدین توضیح که شخص مسلمان ملزم به پرداخت نفقه اقارب غیرمسلمان خود نیست. در صدر ماده یادشده در مورد نفقه اقارب در خط عمودی (اصول و فروع) پرداخت نفقه آنها را باوجود اختلاف در دین به‌عنوان یک استثنای قانون مدنی افغانستان پذیرفته است. ماده ۲۶۷^۱ قانون مدنی افغانستان چنین می‌نویسد: پرداخت نفقه اقارب از تاریخی که حکم قطعی محکم صادر می‌گردد، پرداخت آن لازم می‌شود که مدت پرداخت نفقه را در قانون مدنی افغانستان مشخص نکرده است. قانون‌گذار، در کود جزا افغانستان مدت پرداخت نفقه بعد از حکم قطعی را یک‌ماه تبیین نموده است.

^۱ ماده ۲۶۴ قانون مدنی افغانستان: «نفقه والدین و اجداد و اجدادی که فقیر باشند؛ خواه توان کسب و کار را داشته باشند یا نه، به دوش فرزندی است که موسر باشد؛ خواه فرزند پسر باشد یا دختر، صغیر باشد یا کبیر.

^۲ ماده ۲۶۵ قانون مدنی افغانستان: «نفقه شخص فقیر که به علت مریضی جسمی یا عقلی و عصبی توان کسب و کار را نداشته باشد، به تناسب سهم ارث به دوش اقارب مؤثر می‌باشد».

^۳ ماده ۲۶۶ قانون مدنی افغانستان: «به استثنای نفقه اصول و فروع، نفقه با اختلاف دین ساقط می‌گردد».

^۴ ماده ۲۶۷ قانون مدنی افغانستان: «نفقه اقارب از تاریخ مطالبه آن لازم می‌گردد».

در نظام حقوقی ایران در ماده ۱۱۹۸ قانون مدنی کسی ملزم به انفاق است که متمکن از دادن نفقه باشد؛ یعنی بتواند نفقه بدهد، بدون اینکه از حیث معیشت خود دچار مضیقه شود. برای تشخیص تمکن باید تعهدات و وضع زندگانی شخصی او در جامعه در نظر گرفته شود. دارایی اعم از مثبت و منفی است که از بُعد منفی شامل دیون و تعهدات می‌شود؛ چه کسی که با داشتن ثروت زیاد مجبور به ادای نفقه نباشد؛ زیرا مخارجش زیاد است (اسدی، ۱۳۹۷، ص ۳۳۹). در نظام حقوقی ایران تمکن مالی منفق، وضع معیشت و زندگانی در جامعه در نظر گرفته می‌شود تا اگر توانایی پرداخت را داشت ملزم به پرداخت شود در غیر آن هیچ الزامی برای پرداخت نفقه اقارب برای منفق وجود ندارد.

در نظام حقوقی افغانستان در خصوص نفقه فرزند تمکن مالی منفق مورد توجه است. اگر پدر متمکن نبود، پرداخت نفقه فرزند به ولی انتقال می‌کند. در خصوص اقارب (اصول) والدین و اجداد پدری هیچ توجه به تمکن مالی منفق نیست. منفق با صرف فقیر بودن خود؛ چه آنهایی که توانایی انجام کار را داشته باشند یا نه. شخص منفق با وجود موسر بودن خود ملزم به پرداخت نفقه آنها می‌باشد؛ درحالی که چنین الزامی در نظام حقوقی ایران وجود ندارد.

۳. رکن معنوی

ترک انفاق از جرایم عمدی است و برای تحقق عنصر روانی، وجود دو عامل اراده‌ای ارتکاب و قصد مجرمانه ضروری است. از آنجاکه عنصر مادی جرم ترک انفاق از نوع ترک فعل است، این ترک فعل باید به صورت ارادی ارتکاب یابد. بنابراین، هرگاه زوج در دسترس نبود، به گونه قهری تا به تأدیه نفقه وی اقدام کند، اراده‌ای در ارتکاب جرم نداشته است (اسدی، ۱۳۹۷، ص ۲۷۶) و همچنین منفق دارای قصد مجرمانه باشد؛ یعنی عمداً از اجرای حکم محکمه به ادای محکوم به امتناع ورزد.

برای مثال، منفق به خارج از کشور سفر نموده است و ماهانه مقداری پول برای پرداخت نفقه زوجه خود به حساب برادر خود واریز می‌کند، برادر منفق از پرداخت نفقه برای خانم ایشان امتناع می‌ورزد. آیا زوج مرتکب جرم ترک انفاق یا عدم اجرای حکم محکمه شده است یا خیر؟ برای پاسخ به این پرسش چنین تبیین می‌شود که جرم از لحاظ رفتار مادی (عدم پرداخت نفقه) به زوجه است، ارتکاب یافته است؛ اما از جهت عنصر روانی چون تصور زوج این بوده که برادرش نفقه خانم ایشان را پرداخت نموده، چون عنصر روانی قصد مجرمانه





ازسوی زوج وجود ندارد، پس جرم ترک انفاق واقع نشده است؛ زیرا ارتکاب هر جرم با اجتماع عنصر مادی و معنوی آن می باشد.

ج) ویژگی های نفقه زوجة

نفقه زوجة و اقارب (خویشاوندان نسبی) دارای تفاوت و ویژگی هایی است که در ادامه تبیین شده است:

۱. تقدم نفقه زوجة بر نفقه اقرباست؛ بدین توضیح که اگر منفق استطاعت مالی کافی برای پرداخت نفقه زوجة و اقربا را نداشته باشد، در این صورت نفقه زوجة بر نفقه اقارب تقدم دارد؛ چنان که ماده ۱۲۰۳ قانون مدنی ایران نفقه زوجة بر نفقه اقربا را مقدم دانسته است.

۲. زوجة حق مطالبه نفقه گذشته خود را دارد و برای وصول آن می تواند در محکمه اقامه دعوی کند؛ درحالی که اقارب فقط نسبت به نفقه آینده خود می توانند مطالبه نفقه نمایند. چنان که ماده ۱۲۸^۲ و ۱۲۹^۳ قانون مدنی افغانستان اشاره بر نفقه گذشته زوجة دارد و ماده ۱۲۲۶ قانون مدنی ایران تصریح نموده که زوجة می تواند در هر زمان، برای مطالبه نفقه گذشته خود دعوی مطرح کند.

۳. در نظام حقوقی افغانستان در ماده ۱۲۳^۴ قانون مدنی این کشور تبیین نموده که نفقه زوجة مطابق به توان مالی زوج تأمین شود؛ مشروط به اینکه از حداقل کفاف زندگی زوجة کمتر نباشد. این ماده درخصوص شرط استطاعت مالی زوج تبیین نشده است؛ بلکه قانون گذار افغانستان در ماده ۱۱۹^۵ قانون مدنی در صورت عدم پرداخت نفقه زوجة دادگاه

^۱ ماده ۱۲۰۳ قانون مدنی ایران: «در صورت بودن زوجة و یا چند نفر واجب النفقه دیگر زوجة مقدم بر سایرین خواهد بود».

^۲ ماده ۱۲۸ قانون مدنی افغانستان: «نفقه واجبه جز به اداء یا ابراء آن ساقط نمی گردد».

^۳ ماده ۱۲۹ قانون مدنی افغانستان: «ابراء از نفقه قبل از اینکه تعیین شده باشد، باطل است؛ خواه تعیین نفقه رضائی باشد یا قضائی. اما ابراء از نفقه بعد از تعیین وقتی صحیح می گردد که ابراء از نفقه ایام گذشته باشد. ابراء از نفقه روز، هفته، ماه و سال آینده وقتی صحیح می گردد، که نفقه بالترتیب طور روزمره هفته وار، ماهوار، و سالانه تعیین شده باشد».

^۴ ماده ۱۲۳ قانون مدنی افغانستان: «نفقه زوجة مطابق به توان مالی زوج تأمین می گردد؛ مشروط بر اینکه نفقه از حد کفاف زوجة کمتر نباشد».

^۵ ماده ۱۱۹ قانون مدنی افغانستان: «هرگاه زوج از ادای نفقه امتناع ورزد یا تقصیر وی در آن ثابت گردد، محکمه با صلاحیت زوج را به ادای نفقه مکلف می گرداند».

زوج را مکلف به پرداخت می‌کند. بنابراین، نفقه زوجه مشروط به استطاعت مالی زوج نیست؛ چنان‌که در ماده ۱۱۲۹ قانون مدنی ایران هرگاه زوج تمکن مالی برای پرداخت نفقه زوجه را نداشته باشد یا از پرداخت نفقه امتناع ورزد، زوجه می‌تواند از دادگاه درخواست طلاق کند؛ اما در پرداخت نفقه اقارب تمکن مالی منفق و فقر منفق‌علیه از شرایط پرداخت نفقه اقربا می‌باشد.

۴. پرداخت نفقه زوجه تکلیف یک‌جانبه زوج است و در حقوق افغانستان و ایران زوجه هیچ‌گاه مکلف به پرداخت نفقه زوج نیست؛ ولی پرداخت نفقه اقارب یک تکلیف متقابل است (موسوی‌بجنوردی و حسینی، ۱۳۸۸، ص ۱۹)، چنان‌که در ماده ۲۶۵ قانون مدنی افغانستان نفقه شخص فقیر را برعهده اقارب موسر نموده است.

۵. ممتاز بودن طلب نفقه زوجه در صورت ورشکستگی یا فوت شوهر و عدم کفایت اموال او برای پرداخت دیون، بر سایر بدیهیات مقدم خواهد شد. ولی نفقه اقارب دارای این خصوصیات نیست؛ به استثنای نفقه فرزندان که بر سایر دیون مقدم شده است که ماده ۲۶۰ قانون مدنی افغانستان در این خصوص چنین تصریح نموده که حتی پدر در صورت توانایی کار که دچار عسرت باشد، نفقه فرزندان از عهده وی ساقط نمی‌شود؛ یعنی صرف نداشتن فقر و مال نقدی سبب معافیت وی نمی‌شود؛ زیرا او قادر است از طریق انجام فعالیت‌های شغلی نفقه فرزندان خود را پرداخت نماید. در صورتی که ولی دیگر مانند جد پدری یا وصی قانونی به صورت موقت پرداخت نفقه فرزندان وی را به عهده گیرد، بعد از آنکه پدر یسار شود، آن ولی حق دارد هزینه‌هایی که به عنوان نفقه فرزندان پرداخته است، مطالبه و استرداد نماید. بنابراین، مسئولیت پرداخت نفقه فرزندان برعهده پدر باقی می‌ماند و انتقال موقتی آن به ولی دیگر، پدر را از دین نفقه معاف نمی‌کند.

^۱ ماده ۲۶۵ قانون مدنی افغانستان: «نفقه شخص فقیر که به علت مریضی جسمی یا عقلی و عصبی توان کسب و کار را نداشته باشد، به تناسب سهم ارث به دوش اقارب موسر می‌باشد.

^۲ ماده ۲۶۰ قانون مدنی افغانستان: «هرگاه پدر معسر بوده و از کسب و کار عاجز نباشد، پرداخت نفقه اولاد از ذمه وی ساقط نمی‌شود. در این صورت ولی‌ای که بعد از پدر قرار داده، مکلف به پرداخت نفقه اولاد بوده، حیث یسار پدر مصارف نفقه را از وی مطالبه می‌نماید».





د) ضمانت اجرای کیفری جرم ترک اتفاق

مطابق مفاد فقره (۱) ماده ۶۳۵ کود جزای افغانستان مرتکب به حبس قصیر یا جزای نقدی از سی تا شصت هزار افغانی محکوم می‌شود که محکمه با توجه به اوضاع و احوال شرایط ارتكابی و شیوه ارتكاب جرم، مجازات متناسب تعیین خواهد کرد.

فقره (۲) «رسیدگی به دعوای جرم مندرج فقره (۱) این ماده منوط به شکایت شاکی می‌باشد. در حالت مندرج فقره (۱) این ماده، دعوای به اثر انصراف صاحب مصلحت و شکایت یا به ادای چیزی که به ذمه شخص طرف شکایت باقی مانده منقضی می‌شود و اگر انصراف یا اداء بعد از صدور حکم در دعوای صورت بگیرد، تطبیق جزا متوقف می‌گردد». در صدر فقره (۲) ماده ۶۳۵ کود جزا ماهیت جرم یادشده را از جرایم قابل گذشت دانسته و تا زمانی که شاکی در محکمه علیه منفق طرح شکایت نکند، دعوای علیه منفق (ترک‌کننده نفقه یا اجرت) قابل استماع نیست. در قسمت دوم این فقره با عبارت «دعوا به اثر انصراف صاحب مصلحت...» در راستای کیفرزدایی تبیین نموده است؛ بدین مفهوم که صلاحیت شکایت علیه متهم (منفق) در اختیار منفق علیه (متضرر از واقعه) گذاشته می‌شود و اثر حقوقی آن به لحاظ اصول محاکمات جزایی این است در هر مرحله که متضرر از ادامه رسیدگی به دعوا صرف نظر کند، تعقیب عدلی به نفع متهم یا محکوم متوقف می‌شود.

به این ترتیب، هرگاه شخصی، متهم یا مرتکب جرم مندرج فقره (۱) این ماده شود، در حالت‌های ذیل ادامه دعوا و دادرسی یا اجرای مجازات متوقف می‌شود: اول آنکه، متضرر یا صاحب مصلحت، پیش از آنکه حکم محکومیت علیه متهم صادر شود، از ادامه شکایت و دادرسی منصرف شود؛ دوم، شخص مسئول پرداخت نفقه یا اجرت در جریان تعقیب عدلی، باقی مانده مدیونیت نفقه یا اجرت را پرداخت نماید؛ سوم، شخص مسئول از طرف محکمه، مجرم شناخته شده و او را به تحمل حبس یا جزای نقدی محکوم کرده باشد و در جریان تطبیق جزا صاحب مصلحت نسبت به محکوم گذشت نماید و او را مورد بخشش قرار دهد یا شخص مسئول در جریان تطبیق جزا بر او، باقی مانده دین خود را اداء نماید، در هر صورت، ادامه تطبیق جزا متوقف شده و فرد محکوم علیه رها می‌شود.

گفتنی است در صورتی که شخص منفق به جزای حبس محکوم شده باشد، برای مثال، شخصی که به حبس قصیر طبق این ماده محکوم شده باشد، یک‌ماه حبس را سپری نموده باشد و شخص صاحب مصلحت از آن گذشت کند، باقی مانده حبس وی اجرا نمی‌شود. اگر شخص

محکوم به جزای نقدی بیست هزار افغانی شده باشد و ده هزار آن را پرداخت نموده باشد پس از گذشت شاکی خصوصی ده هزار باقی مانده از شخص محکوم علیه تقاضا نمی شود.

ماده ۵۳ قانون حمایت از خانواده ایران می نویسد: «هر کس با داشتن استطاعت مالی، نفقه زن خود را در صورت تمکین او ندهد یا از تأدیه نفقه سایر اشخاص واجب النفقه امتناع کند، به حبس تعزیری درجه شش^۱ محکوم می شود. تعقیب کیفری منوط به شکایت شاکی خصوصی است و در صورت گذشت وی از شکایت در هر زمان تعقیب جزایی یا اجرای مجازات موقوف می شود». مطابق مفاد این ماده، استطاعت مالی زوج از شرایط تحقق جرم ترک انفاق است. بنابراین، ترک انفاق زمانی جرم محسوب می شود که خودداری متهم از تأدیه نفقه با داشتن استطاعت محرز شود (کریمی، ۱۳۹۸، ص ۱۷۷).

بنابراین، در نظام حقوقی ایران صرف ترک انفاق جرم شمرده شده و مرتکب مستحق مجازات می باشد؛ با این تفاوت که در پرداخت نفقه زوجه استطاعت مالی زوج ملاک نیست و اینکه زن توانایی مالی دارد، در پرداخت نفقه ازسوی زوج تأثیر ندارد؛ ولی در پرداخت نفقه اقارب استطاعت مالی منفق، فقر منفق علیه و عدم توانایی مالی وی شرط پرداخت نفقه آنها ازسوی منفق است. در نظام حقوقی افغانستان صرف ترک انفاق جرم نیست و باید محکومیت قطعی و قبلی برای منفق موجود باشد تا جرم ترک انفاق محقق شود؛ یعنی محکمه حکم به ادای نفقه را به طور قطعی بیان کرده باشد و مطابق مفاد ماده ۶۳۵ کود جزا مدت یک ماه از اجرای حکم بگذرد و منفق عمداً امتناع از پرداخت نفقه نماید. مقنن برای مرتکب این جرم جزای نقدی و حبس قصیر در ماده ۶۳۵ کود جزای افغانستان پیش بینی نموده است.

نتیجه گیری

جرم ترک انفاق زوجه و اقربا یکی از موضوعات مهم در حقوق کیفری خانواده بوده و شرایط ارتکاب این جرم با توجه به رفتار مرتکب در نظام های حقوقی افغانستان و ایران متفاوت می باشد. تعهد به انفاق در فقه و حقوق امر یک طرفه و برعهده زوج است که این امر منوط به تمکین زوجه و فقر و عدم توانایی اشتغال در پرداخت نفقه اقربا به شمار می رود. در پرداخت

^۱ ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی ایران مجازات تعزیری به هشت درجه تقسیم می شود: حبس درجه ششم بیش از شش ماه تا دو سال می باشد.





نفقة زوجه میزان و حدود آن متناسب به نیازها و شأن اجتماعی و خانوادگی زوجه دارد؛ حتی اگر زوجه تمکن مالی داشته باشد، نفقه او برعهده همسر است. اعسار شوهر، وی را از این تعهد باز نمی‌دارد. در پرداخت نفقه اقربا توانایی مالی منفق و عدم توانایی مالی منفق علیه شرط برای پرداخت نفقه ایشان می‌شود. بر عکس پرداخت نفقه زوجه هیچ الزامی در تأدیه آن وجود ندارد. طبق نظام حقوقی افغانستان و ایران زوجه می‌تواند نسبت به نفقه گذشته و آینده خود اقامه دعوی کند و اقربا صرفاً نسبت به آینده حق درخواست نفقه را از منفق علیه دارند.

در نظام حقوقی افغانستان صرف ترک انفاق مطابق ماده ۶۳۵ کود جزا افغانستان جرم‌انگاری نشده است. منفق باید محکومیت قبلی قطعی برای تأدیه نفقه ازسوی محکمه داشته باشد و همچنین، از اجرای حکم یک‌ماه سپری شده و شخص منفق با وجود استطاعت مالی از پرداخت آن عمداً امتناع کند. در نظام حقوقی ایران صرف ترک انفاق جرم‌انگاری شده و با وجود اینکه مدت آن در قانون مشخص نشده، ولی باید یک مدت معقول از عدم تأدیه آن ازسوی منفق بگذرد تا منفق علیه بتواند نزد محکمه طرح دعوی کیفری نسبت به ترک انفاق نماید.

شرایط وجوب ترک انفاق در نظام حقوقی افغانستان مطابق مفاد ماده ۶۳۵ کود جزا سه مورد پیش‌بینی شده است: ۱. محکومیت قبلی و قطعی ازسوی محکمه نسبت به پرداخت نفقه؛ ۲. مدت یک‌ماه از عدم اجرای حکم قطعی بگذرد؛ ۳. شخص منفق عمداً با وجود تمکن مالی از ادای آن امتناع ورزد. در نظام حقوقی ایران چهار شرط برای ارتکاب جرم ترک انفاق مطابق ماده ۵۳ قانون حمایت از خانواده پیش‌بینی شده است: ۱. عقد دائم که عقد منقطع را هم با توجه به شرایط خاص آن شامل می‌شود؛ ۲. تمکن مالی زوج؛ ۳. حال بودن نفقه؛ ۴. تمکین زوجه را در پرداخت نفقه زوجه شامل می‌شود.

شرایط پرداخت نفقه اقارب استطاعت مالی منفق و عدم تمکن مالی اقربا و عدم توانایی اشتغال شامل پرداخت نفقه اقربا می‌شود. در بحث ضمانت اجراها، نظام حقوقی افغانستان مجازات حبس قصیر و جزای نقدی برای تارک انفاق پیش‌بینی نموده است. نظام حقوقی ایران حبس درجه شش پیش‌بینی نموده است. گفتنی است جرم ترک انفاق از جرایم ساده و مستمر می‌باشد که نیاز به شکایت شاکی خصوصی دارد؛ زیرا دولت برای حمایت و قداست نظام خانواده تا زمانی که شاکی طرح شکایت نکند، به دعوی رسیدگی نمی‌کند و همچنین، در هر مرحله‌ای که صاحب مصلحت گذشت کند، دعوی متوقف می‌شود.

۱. اسدی، لیلاسادات، (۱۳۹۷) حقوق کیفری خانواده، تهران، بنیاد حقوقی میزان، چاپ سوم.
۲. پورعبدالله، کبری، مبانی فقهی نفقه و آثار حقوقی ناشی از آن، فصلنامه علمی- ترویجی فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)، ۱۳۹۰، شماره ۵۴.
۳. خلیلی، عذرا، نفقه والدین در فقه امامیه و قوانین موضوعه، پژوهشگاه علوم انسانی (ندای صادق)، ۱۳۸۷، شماره ۴۹.
۴. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۴) لغت نامه، تهران: دانشگاه تهران.
۵. روحانی، علی رضا، (۱۳۹۲) خانواده و جایگاه زن از منظر شریعت، قانون و عرف در افغانستان، کابل، انتشارات آرمان شهر، چاپ دوم.
۶. سیدهاشمی، سیداسماعیل، و مرتضوی، زهراالسادات، بررسی حق و حکم در حضانت، نفقه و رجوع در طلاق، مجله تحقیقات حقوقی، ۱۳۹۳، شماره ۶۶.
۷. شریف، علی، (۱۳۷۷) نفقه و تمکین در حقوق خانواده، تهران، انتشارات بشارت، چاپ اول.
۸. مرتاضی، احمد، و حاجی حسینی، حسین، امکان سنجی شمول نفقه بر هزینه های درمانی و بهداشتی زن، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، ۱۳۹۵، شماره ۷۴.
۹. موسوی بجنوردی، سید محمود، و حسینی، سیده شهناز، نفقه زوج در فقه و حقوق با رویکرد بر نظریات امام خمینی (س)، فصلنامه علمی پژوهشی متین، ۱۳۸۸، شماره ۴۳.
۱۰. نجفی، محمد حسن، (۱۳۵۷) جواهرالکلام، تهران، مکتبه الاسلامیه.
۱۱. کلباسی، فهیمه، نفقه زوج و جایگاه آن در تأمین نیازهای مالی زن، فصلنامه مطالعات تطبیقی فقه و اصول مذاهب، ۱۴۰۲، شماره ۱.
۱۲. کریمی، نسرین، جرم انگاری ترک انفاق در فقه و حقوق ایران با نگاهی به فقه اهل سنت، فصلنامه علمی پژوهش نامه حقوق اسلامی، ۱۳۹۸، شماره ۱.
۱۳. بنیاد آسیا، (۱۳۹۸) شرح کود جزا.
۱۴. کود جزای افغانستان مصوب (۱۳۹۶)، با اصلاحات بعدی.
۱۵. قانون مدنی افغانستان (۱۳۵۵).
۱۶. قانون مجازات اسلامی ایران (۱۳۹۲)، با اصلاحات بعدی.
۱۷. قانون حمایت از خانواده ایران (۱۳۹۱).
۱۸. قانون مدنی ایران، مصوب (۱۳۰۷)، با اصلاحات بعدی.

